خبر

روحانی در جلسه ستاد ملی مقابله با بیماری کرونا:

به نتیجه مطلوب نرسیم، ممکن است تعطیلی ادامه یابد

● **ایسنا:** رئیس‌جمهوری روز گذشته در جلسه ستاد ملی مقابله با کرونا با اشاره به آغاز طرح جامعی که باید در شهرهای قرمز، زرد و نارنجی اجرائی و عملیاتی شود، عنوان کرد: «ما دوره بسیار سختی در کرونا داشتیم که اسفند پارسال و فروردین امسال بود، اما از اردیبهشت که شرایط بهتر شد تا الان، با موج دوم و بعد موج سوم کرونا مواجه شدیم و تصمیم به تعطیلی هوشمند شهرها گرفتیم. هدف اصلی از این کار این است که شیوع ویروس را کنترل کنیم و افرادی را که مبتلا می‌شوند، زودتر شناسایی کنیم و آنانی که باید قرنطینه شوند هم در این مسیر قرار گیرند». حسن روحانی با بیان اینکه ما باید همه پروتکل‌ها را رعایت کنیم تا فشار اقتصادی بر کسب‌وکارهایی که از امروز ممنوع می‌شوند، زودتر برطرف شود، افزود: «اگر در این دو هفته هم خدای نکرده به نتیجه مطلوب نرسیم، ممکن است باز هم این تعطیلی ادامه یابد. پس علاوه بر رعایت پروتکل‌ها برای سلامتی خود و خانواده و کاهش فشار بر کادر درمان، باید برای رفع تعطیلی مشاغل هم به رعایت پروتکل‌ها توجه کنیم». رئیس‌جمهور با انتقاد از افزایش دورهمی‌های خانوادگی در ماه‌های اخیر گفت: «قبلا مطرح بود که اگر کسی مبتلا باشد و در جمع خانوادگی که معمولا با استفاده‌نکردن از ماسک هم همراه می‌شود، عطسه یا سرفه کند، می‌تواند ۵۰ نفر را مبتلا کند؛ به‌خصوص که ممکن است در خانه‌ها سیستم تهویه مناسبی هم وجود نداشته باشد. حتی گفته می‌شود حرف‌زدن فردی که مبتلاست نیز می‌تواند منجر به انتقال ویروس شود». او با تأکید بر اینکه همه دستگاه‌های انتظامی باید در رعایت پروتکل‌های بهداشتی در دو هفته اخیر همکاری لازم را داشته باشند، عنوان کرد: «همه دستگاه‌های دولتی و غیردولتی باید در امر انجام این کار همکاری کنند و فقط به نیروهای انتظامی یا دولتی سپرده نشود. همه نیروهای بسیج و معتمدان محلی نیز باید برای هدایت افراد مبتلا به مراکز تست‌گیری کمک کنند و نیز نیازهای روزمره کسانی را که در خانه بستری‌اند، با کمک خود برطرف کنند». روحانی یادآور شد: «اطلاع‌رسانی به‌موقع و شفاف و روشن تصمیمات ستاد ملی کرونا و قرارگاه و خود وزارت بهداشت باید به سرعت در اختیار مردم قرار گیرد تا بدانند شرایط چگونه است. همچنین باید مردم را اقناع کنیم که هیچ راهی جز رعایت توصیه و پروتکل وجود ندارد». رئیس‌جمهور با بیان اینکه به سمت انجام تست صد هزار نفری در روز می‌رویم، تأکید کرد: «باید تجمع و تردد را کاهش دهیم؛ در بعضی مناطق ناچار به تعطیلی شدیم تا شدت تجمع و تردد کمتر شود. همچنین قرار است قرارگاه بررسی کند که تمام افرادی که بیرون می‌آیند حتما کارت شناسایی همراهشان باشد تا کسانی که مبتلا هستند از ورود به اماکن عمومی باز داشته شوند». او با بیان اینکه صداوسیما باید برای ساعات فراغت مردم و درخانه‌ماندنشان برنامه‌های مفرحی داشته باشد، گفت: «همچنین باید فرزندان ما که در خانه‌ها هستند امر آموزش را از طریق صداوسیما دنبال کنند و با معلمان خود در ارتباط باشند». روحانی با اشاره به اینکه در نظر داریم با اقدامات حمایتی مردم را در شرایط فعلی کمک کنیم، عنوان کرد: «مصوب شد که برای نزدیک به ۳۰ میلیون نفر تا پایان سال در هر ماه، صد هزار تومان بلاعوض بدهیم و برای ۱۰ میلیون خانوار هم وام یک میلیون تومانی در نظر بگیریم. همچنین برخی موارد حمایتی دیگر نیز وجود دارد». رئیس‌جمهور افزود: «اگر مردم رعایت کنند و با مدارا نسبت به این ویروس عمل کنند، حتی به یک ساعت تعطیل نیز نیاز نداریم. امیدوارم که در دو هفته پیش‌رو نتایج مثبتی به دست آید و شرایط بهتر شود».

برگزاری ویژه سالگرد شهادت سردار سلیمانی

● **ایسنا:** رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان تهران گفت: «در ۱۳ آبان تمام شرایط و هماهنگی‌ها صورت گرفته بود، ولی ستاد ملی کرونا با انجام این مناسبت ملی مخالفت کرد و ما مطیع امر رهبری معظم در خصوص همکاری با این ستاد هستیم. از نحوه اعلام ستاد کرونا به‌شدت گله‌مند هستیم، می‌طلبید در ایران اسلامی با توجه به اهانت به ساحت پیامبر اکرم(ص) مراسم میدانی ۱۳ آبان انجام می‌شد که جای بحث و تأمل دارد». حجت‌الاسلام محسن محمودی به مناسبت‌های پیش‌رو تا پایان سال اشاره کرد و افزود: «یاد و خاطره سردار بزرگ جهان اسلام سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی را گرامی می‌داریم و در طول سال همه مناسبت‌ها با نام و یاد ایشان مزین بود، اما در سالگرد شهادت این بزرگوار باید به صورت ویژه همه پای کار بیایند».

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۸۰۲۹۲۹۴ سال ۹۹.۱۱۵۵۳ موضوع قانون تعیین و تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تنکابن تصرفات مالکانه بلامعارض مالکیت متقاضی عفت علی نژاد به شماره کد ملی ۱۲۸۱۶۱۴۱۳۰ صادره از اصفهان فرزند رجبعلی ششدانگ یک قطعه زمین مشتمل بر ساختمان به مساحت ۲۵۰ مترمربع دارای پلاک ۳۴۷ فرعی از پلاک ۸ اصلی بخش ۳ واقع در قریه امین آباد خریداری شده از مالک رسمی لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود تا در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ اعتراض دادخواست اعتراض برئیت خود را به مرجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۹۹۰۷۲۸۸

تاریخ انتشارنوبت اول : ۱۳۹۹.۰۹.۰۲ تاریخ انتشارنوبت دوم : ۱۳۹۹.۰۹.۱۶

هادی ملاحسینی سرپرست ثبت اسناد و املاک تنکابن

رضا صالحی‌امیری در گفت‌وگو با «شرق»:

تداوم ناامیدی و سرخوردگی خطرناک است

تصویر مردم تاریک‌تر از واقعیت موجود است

عکس: سهند تاکی، شرق

سیدرضا صالحی‌امیری، اکنون رئیس کمیته ملی المپیک است، اما سابقه او نشان از آن دارد که سال‌ها در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی فعالیت و مطالعه داشته است. او که زمانی مشاور رئیس‌جمهور در دولت اصلاحات بود، از نزدیکان حسن روحانی محسوب می‌شود و در دولت او تا وزارت نیز پیش رفته است. صالحی‌امیری سابقه عضویت در هیئت‌رئیسه مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری، عضویت در شورای اجتماعی کشور و معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام را در کارنامه دارد و به همین دلیل بر اتفاقات سیاسی- اجتماعی کشور اشراف دارد. او در این مصاحبه که در دفتر روزنامه انجام شد، به مسائل و مشکلات داخلی ازجمله مسائل معیشتی، کرونا و انتخابات ریاست‌جمهوری در ۱۴۰۰ و حوادث آبان سال گذشته پرداخته که در ادامه می‌خوانید.

شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور را چگونه می‌بینید؟

با تراکمی از مسائل در کشور مواجه هستیم که با تقاطعی از بیرون مواجه شد؛ یعنی با دو بحران هم‌زمان مواجهیم؛ یک تراکم مطالبات در داخل، تقاطع از بیرون که کار را سخت کرده است. در رانشی که انجام می‌شود، در تکانه زلزله، یکی افقی و دیگری عمودی است. وقتی با تراکم مطالبات عمودی مواجه هستید، تقاطعی به نام متغیر بحران خارجی می‌آید و شرایط را بسیار سخت می‌کند. معتقدم در داخل شرایط بسیار حساسی را در ماه‌های آینده در کشور داریم که به اعتقاد من نگران‌کننده است. در شرایط داخلی شاخص‌هایی را که هستند می‌گویم. نکته اول بازگشت دوباره کرونا است که دغدغه و ناامیدی را در جامعه تشدید کرده. بعد از فروکش‌کردن کرونا، جامعه لبخند زده و احساس بازگشت به شرایط جدید شکل گرفته بود که متأسفانه این امید در کمتر از یک ماه دوباره تبدیل به یأس شد. تداوم ناامیدی و سرخوردگی در جامعه بسیار خطرناک است. فرد احساس ناامنی روانی در محل کار، خانه، دانشگاه و جامعه دارد. امید بود که با تابستان کرونا فروکش کند و شرایط عادی زندگی برگردد. نکته دوم هم‌زمانی این پدیده با گرانی افسارگسیخته و در کنار آن تورم است که سفره را به‌شدت لاغر و کم‌رمق می‌کند. پدیده چهارم گسترش روزافزون بی‌کاری است. عده زیادی از کار بی‌کار می‌شوند، چون کارفرما امکان تأمین حقوق کارمندش را ندارد. نکته پنجم، نابسامانی بازار ارز است (نه قیمت ارز) یعنی یک نوع بی‌هنجاری در بازار ارز شکل گرفته و جامعه بر اساس یک ذهنیت تاریخی ارز را یک نوع معیار شاخص نابسامانی یا بسامانی اقتصادی تعریف کرده، یعنی یکی از ترازهای ذهنی جامعه برای توانایی دولت در امور اقتصادی قیمت ارز تعریف شده است. مفهوم قیمت در اینجا ثبات قیمت ارز است. وقتی ارز به عدد ۱۱ یا ۱۲ هزار تومان رسیده بود و پنج، شش ماه تداوم داشت که جامعه خودش را با آن انطباق داد، چون به سامان رسیده بود. محور ششم که به نظرم نگران‌کننده است، در داخل برمی‌گردد به گسترش فقر در جامعه. دهک‌های پایین با وجود همه سختی‌های زیستی و معیشتی فقیرتر شده و شکاف طبقاتی افزایش پیدا کرده است. در اینجا با دو پدیده مواجه هستیم؛ افول درآمد، لاغرشدن سفره و افزایش شکاف. همیشه یک دهک نه‌تنها از شرایط زیان نمی‌بینند، بلکه منافعشان زیاد می‌شود، چون کالا، منابع و بورس را در اختیار دارند و با قدرت اقتصادی‌ای که دارند، درآمدشان را افزایش می‌دهند، ولی طبقات فرودست در این فضا فقیرتر می‌شوند؛ بنابراین با پدیده گسترش فقر مواجهیم. در چنین وضعیتی با بحث دیگری مواجه هستیم که بازار سکه است. سکه هم یکی از شاخص‌های موفقیت و عدم موفقیت اقتصاد تعریف می‌شود. سکه متغیر اقتصاد و تعیین‌کننده شد. در کنار این پدیده، بورس شکل گرفته که با وجود امیدها، دغدغه‌هایی جدی را ایجاد کرده که حباب بورس یک روز ترکیده شود که طبقات فرودست زیان خواهند کرد که از ۱۵ میلیون حداقل ۱۴ میلیون نفر با فروش اموال و حداقل‌هایشان در بورس شرکت کرده‌اند. نکته بعدی افزایش سرسام‌آور نیازهای اولیه زیستی است؛ خوراک، پوشاک، بهداشت، حمل‌ونقل، انرژی و آموزش. هزینه‌های این عوامل بسیار سنگین شده و جامعه تحت فشار قرار گرفته است. در کنار این مسائل، عمدتا رویکردش اجتماعی و اقتصادی بود و با پدیده دیگری مواجه شدیم تحت عنوان تعارض قوا میان مجلس، دولت و قوه قضائیه که یک عامل بسیار اساسی در ذهنیت اجتماعی است. مردم هر روز با تعارض مواجه‌اند و ادبیاتی که در مجلس و قوه قضائیه و متن اجتماعی شکل می‌گیرد، ذهنیتی را در متن اجتماعی به وجود آورد که قوا فاقد سازگاری و انسجام‌اند. نکته بعدی گسترش سطح نارضایتی است؛ به‌طور طبیعی مفهوم رضایت و نارضایتی نسبی است. در شرایط کرونا مردم از عملکرد دولت رضایت نسبی داشتند، اما به این معنی نیست کسانی که بی‌کار هم شده‌اند، از بی‌کاری رضایت داشته‌اند. نباید تحلیل غلط و انحرافی داده شود. به اعتقاد من مردم از عملکرد دولت در کرونا رضایت داشتند و رضایتمندی مردم افزایش پیدا کرد، اما با بازگشت دوباره کرونا با افول رضایت مواجه شدیم. رضایتمندی مردم از عملکرد دولت در کرونا به معنای رضایتمندی از گرانی، تورم، فقر و عوامل دیگر نیست. نکته بعدی در حوزه اجتماعی، مسکن است. کارشناسان معتقدند طبق آمارها ۴۵ درصد در تهران و ۲۵ درصد در سطح کشور اجاره‌نشین هستند. شش میلیون خانوار در ایران فاقد مسکن هستند؛ یعنی به شش میلیون مسکن نیاز است. کل خانوار در ایران ۲۶میلیون‌و ۴۰۰ هزار خانوار است. در چنین وضعیتی افزایش سرسام‌آور اجاره برای طبقه اجاره‌نشین به‌علاوه افزایش قیمت مسکن که دسترسی این طبقه را به مسکن دورتر کرده، یک چالش جدی است که این هم یک واقعیت تلخ است که به مطالبات قبلی افزوده شد. معتقدم در چنین شرایطی با سه چالش بنیادی مواجه شده‌ایم؛ چالش اول که در ذهنیت اجتماعی شکل گرفته، ناکارآمدی است. ناکارآمدی اگر تداوم پیدا کند، به بی‌کفایتی منجر خواهد شد. چالش دوم بی‌انسجامی است؛ یعنی انسجام در سطح ساختار، قوا، نهادهای اصلی و داخل حاکمیت اعم از دولت، قوه قضائیه، مجریه و سایر نهادهای مسئول. بی‌انسجامی در سطح سیاست‌گذاری، تصمیم‌های لحظه‌ای و شتاب‌زده یک نوع بی‌سامانی را در سیاست‌گذاری نشان می‌دهد. اینکه مطرح می‌شود موبایل ۳۰۰ دلار بیاید یا نیاید، منهای پیامد اقتصادی‌اش یک نوع بی‌انسجامی در سیاست‌گذاری را پیام دارد. نکته بعدی برنامه‌ریزی لحظه‌ای و شتاب‌زده است. امروز یک کالا به نام مرغ کمبود دارد، سلسله قوانین سخت‌گیرانه داریم، یک روز مرغ فراوان است و چالش دیگری داریم. نکته دوم بی‌انسجامی در برنامه، عملکرد، اقدامات و تصمیمات است. نوعی آشفتگی در نظام تصمیم‌گیری را می‌بینیم. پراید را ببینید. شاخص در زیست مردم، جامعه، مسکن، انرژی، بهداشت، آموزش، خودرو، موبایل، پوشاک، خوراک و حمل‌ونقل است؛ قیمت اینها را ببینید چگونه است. مردم با این موارد سروکار دارند و روزانه قضاوت می‌کنند. یک نوع آشفتگی آنومی سیاست‌گذاری در این شش حوزه مشاهده می‌شود که تجلی‌اش در گوشت، مرغ، پراید و... دیده می‌شود. اما عنصر اساسی‌اش بی‌انسجامی در نظام سیاست‌گذاری است. نکته سوم که نگرانی اصلی من است، افول شتابناک سرمایه اجتماعی است که پیامد آن خیلی مهم‌تر از سرمایه است که پیامدش نارضایتی گسترده خواهد بود. به اعتقاد من این نکته کلیدی است. افول شتابناک سرمایه اجتماعی پیامدهایی جدی به همراه دارد که چهار عنصر نارضایتی، عصبیت، تنفر و خشونت محصول چنین شرایطی خواهد بود و من از این جهت دغدغه جدی دارم. اما دغدغه جدی من به عنوان پژوهشگر این است که یک شوک و جرقه مثل یک حادثه، تصمیم غلط یا آتش‌سوزی می‌تواند معادله و قاعده بازی را به هم بزند و ما را دچار چالشی بنیادین کند. معتقدم در فضای فعلی، جنس اعتراضات اجتماعی از جنس اقتصادی، معیشتی و سفره خواهد بود و فاقد عنصر سیاسی است؛ یعنی مطالبات مردم از جنس مطالبات شش‌گانه‌ای که عرض کردم و ناظر بر سفره است و سیاسی نیست. این تحلیل وضعیت داخلی، بحث اول من است. همچنین با یک تقاطع از بیرون در این تراکم مواجه شدیم به نام تحریم، این تقاطع از بیرون و تراکم داخل شرایط آینده را متأسفانه تا حدودی مبهم می‌کند.

راه‌های برون‌رفت از این وضعیت چیست؟

سازوکار دقیقا باید هم‌زمان در داخل و بیرون دنبال شود. در داخل تنها راه عبور از این وضعیت، تغییر در وضعیت سفره مردم است. با سخنرانی و شعار و وعده امکان اقناع عموم وجود ندارد. اتخاذ سیاست‌ها در تغییر سفره را باید محسوس کرد؛ یعنی مجموعه سازوکارهای اقتصادی که منجر به تغییر وضعیت سفره یا رنگ سفره شود. نکته دوم انسجام در سطح نظام سیاسی است. تصویر عمومی در ذهنیت نخبگان و اجتماعی در فضای فعلی این است که هرچه به سمت ۱۴۰۰ می‌رویم، مناقشات سیاسی گسترده‌تر خواهد شد، در حالی که نظام سیاسی در این شرایط به‌شدت نیازمند انسجام ساختاری، مدیریتی و کارکردی است. آنچه در مجلس در این مدت در چالش با دولت شکل گرفت، کاملا پیام یک واگرایی و بی‌انسجامی در تقابل قوا را دارد، در حالی که نیاز شرایط حاضر یک انسجام است. همین وضعیت در خصوص قوه قضائیه هم مطرح است. در حقیقت عملکرد مجلس، قوه قضائیه و دولت باید مکمل عملکرد دیگری برای تغییر در معیشت، اقتصاد و سفره مردم باشد. هرگاه در دستگاه‌های مختلف آن هدف بنیادی که تغییر وضعیت معیشتی مردم است، به استراتژی تقابل، تعارض و افشاگری تبدیل شود، به عمیق‌ترشدن مسئله کمک کرده‌ایم. این یک نکته کلیدی است. معتقدم باید بپذیریم که پیش‌قراول اداره کشور در فضای فعلی دولت است. چون دولت منابع و ساختار در اختیار دارد، سازوکار مدیریتی در شهر و روستا و استان و سراسر کشور دارد و دو قوه دیگر باید به کمک دولت بیایند. مفهوم انسجام به مفهوم یک امر ذهنی تخیلی نیست؛ یعنی ما و شما بگوییم قوای قضائیه، مقننه و مجریه با هم خوب باشند. این یک توصیه اخلاقی بوده و فاقد ضمانت اجرائی است. من بر این باورم که در شرایط بحران باید مدیریت صحنه اداره کشور با دولت باشد و دو قوه به کمک دولت بیایند؛ یعنی قوه قضائیه باید به مجموعه نیازهای دولت برای اهداف دولت کمک کند که محقق شود. مجلس به مطالبات قانونی دولت پاسخ دهد که دولت بتواند به فرماندهی و مدیریتی که برای تحقق مطالبات است، دست پیدا کند. مفهوم انسجام که می‌گویم، فقط یک توصیه اخلاقی نیست و باید به برنامه عملیاتی تبدیل شود. برنامه عملیاتی در اینجا باید محور مدیریت چالش‌ها و مطالبات دولت قرار بگیرد و بقیه قوا و نهادهای دیگر به مفهوم عام (همه نهادهای تأثیرگذار) به کمک دولت بیایند. دولت هم باید استراتژی اصلی‌اش را بر دو کرسی سلامت و معیشت مردم قرار دهد. سلامت به خاطر ناامنی‌ای که از کرونا حاصل شده و معیشت. استراتژی نظام سیاسی مبتنی باشد بر حمایت از دولت برای تحقق این دو مطالبه. سطح دوم مسئله، سیاست خارجی است. پیداکردن روزنه‌هایی در سیاست خارجی برای کاهش یا تخفیف بحران یک ضرورت است؛ بنابراین باید به دنبال روزنه‌هایی برای عبور از این شرایط باشیم. باید بتوانیم در شرایط سخت تحریم روزنه‌هایی را در همسایگان ایجاد و مطالبات مردم را تأمین کنیم.

> **من معتقدم سوخت نظام سیاسی برای تداوم حیات و بقا، سرمایه اجتماعی است. یک رویکرد انسجام است که مکانیکی است که شما مطرح می‌کنید؛ به این معنی که یک ترکیب از ساختار سیاسی ایجاد می‌کنیم با عنصری به نام قدرت سخت که این سیستم را به فرمان خود درمی‌آوریم. به این انسجام مکانیکی می‌گوییم که بر مبنای بایدهاست اما انسجام ارگانیکی بر مبنای باورهاست**

فرمودید دولت باید پیش‌قراول باشد. بعد از خروج آمریکا از برجام دولت دچار افسردگی شد و کارهایی را که شما به آن اشاره کردید، انجام نداد. این انتقاد به دولت وارد است که چرا بعد از خارج‌شدن آمریکا از برجام روابطمان را با همسایگانمان بهتر نکردیم، چرا اقتصادمان را درست نکردیم؟ انگار دولت از دایره فکری مردم خارج شده و مردم با دولت قهر کرده‌اند.

سؤال را دقیقا معکوس طرح می‌کنم. می‌گویم به‌جای اینکه تلاش کنیم که ثابت کنیم دولت ناکارآمد است باید به این سؤال پاسخ دهیم که راهکارهای تقویت قدرت ملی دولت چیست که بتوان از این چالش‌ها عبور کرد. شما و ما هر روز با واقعیت‌هایی تلخ مواجه هستیم.

زمانی هست که دولت می‌پذیرد در مواردی ضعف دارد و دنبال راهکار است، اما گاهی نمی‌پذیرد و می‌گوید کار من درست‌ترین کار است. مسئله این است که آیا واقعا دولت می‌پذیرد که در مواردی دچار نقصان است؟

من به عنوان دولت صحبت نمی‌کنم، به عنوان کسی که احساس مسئولیت در قبال مردم دارم و باید به دنبال یک نوع مطالبه‌گری از زبان مردم باشم، صحبت می‌کنم. نوع نگاه من در این بحث متفاوت از شماست. به‌جای اینکه الان دنبال مچ‌گیری از دولت باشیم، به دنبال سازوکارهایی برای تقویت قدرت ملی دولت برای عبور از این بحران باشیم. هیچ‌وقت در شرایط مناقشه که کشور درگیر حوادث تلخ است، نباید دنبال مقصر باشیم. این زمان وجود دارد که بعدا تحلیل کنیم که در یک فرایند چه کسانی تقصیر و قصور داشتند. من معتقدم الان بحرانی وارد این جغرافیا شده که به مراتب تخریش بیشتر از سیل و زلزله است. حداقل شش دهک پایین جامعه در مشقت زندگی می‌کنند. دولت درآمد لازم برای پاسخ‌گویی به مطالبات را ندارد. باید امروز اقتصاددانان به دولت سازوکار نشان دهند که چگونه می‌توان بدون درآمد ۵۰میلیارددلاری نفت که در بودجه پیش‌بینی شده، با درآمد کمتر از ۱۰ میلیارد دلار کشور را اداره کند. فراموش نکنید که در همین کشور در سال‌های ۹۰ تا ۹۴ درآمد ۱۲۰میلیارددلاری را تجربه کردیم.

این درآمد سال گذشته به ۱۰ درصد یعنی ۱۲ میلیارد دلار و امسال به کمتر از ۱۰ میلیارد دلار رسید. کشوری که با درآمد ۱۲۰ میلیارد دلار اداره می‌شد به درآمد کمتر از ۱۲ میلیارد دلار می‌رسد، قطعا دچار تنش سنگین می‌شود. بنابراین کسانی که شعار اقتصاد نفت می‌دهند باید به این سؤال پاسخ دهند که اگر اقتصاد بدون نفت سفره مردم را لاغر و معیشت مردم را دچار بحران کرد، چه سازوکاری باید پیش‌بینی کرد. به‌جای اینکه به سازوکارهای آسیب‌شناسی یا ناکارآمدی دولت فکر کنیم، به سازوکارهایی فکر کنیم که چگونه دولت می‌تواند در شرایطی که منابع درآمدی ندارد و همه مطلعیم ناشی از تحریم‌های ظالمانه و غیرحقوقی و غیرانسانی از سوی غرب است، کشور را اداره کند. آقای برانکوف بود که گفت این تحریم‌ها، بی‌رحمانه‌ترین تحریم تاریخ جهان است. در این شرایط باید بگوییم چطور می‌توانیم به دولت برای برون‌رفت از این وضعیت کمک کنیم. دولت چند سازوکار تعریف کرده است؛ اول مطالبات مالیاتی و درآمدزایی از طریق مالیات بود، خصوصا از طبقات فرادست و صاحبان صنایع. همچنین ۵۰ هزار میلیارد تومان درآمد فروش اموال مازاد دولت و اوراق مشارکت و بخشی هم فروش نفت و سایر فراورده‌های نفتی. حوزه تخصصی من اقتصاد نیست، اما باید به این سؤال پاسخ دهیم که اگر درآمد خانوار از پنج میلیون به یک میلیون تومان کاهش پیدا کرد، چه سازوکاری را برای اداره خانوار تجویز می‌کنیم؟ امروز دولت به این تجویز نیاز دارد.

اولین کار این است که خانواده برجش را کم کند که دولت این کار را نکرده است. اتفاقا مجلس دهم هم این کار را نکرد و بودجه شورای نگهبان و مجلس را اضافه کرد.

از تصمیمات ناصحیح دفاع نمی‌کنم، اما کلان به قضیه نگاه می‌کنم. هم‌زمان مجموعه‌ای از چالش‌های داخلی داریم که در تحلیل کلان، بحران داخلی می‌نامیم که در ابتدا به آنها اشاره کردم. بحران خارجی هم داریم که با مطالبات داخلی تقاطع پیدا کرده است. نتیجه بحران افول ۹۰درصدی درآمد ارزی دولت در یک دهه گذشته و افول شتابناک درآمد ریالی است. همچنین افزایش مطالبات اجتماعی و هزینه‌های دولت ناشی از بحران کرونا و سایر چالش‌هایی که خبر دارید. سخن من این است که نخبگان، تحلیلگران و اقتصاددانان ما برای برون‌رفت از این چالش به دولت سازوکار عملی نشان دهند نه سازوکار توسعه‌ای. مثلا شما می‌فرمایید کاهش هزینه‌های غیرضروری، این تجویز است. دولت هر روز در حال ابلاغ کاهش هزینه‌های غیرضروری است، اما دولت یک خانواده بسیار فربه است، ۲.۵ میلیون کارمند، ۱.۵ میلیون نیروهای مسلح و بیش از دو میلیون بازنشسته دارد، پس هزینه‌های خانواده دولت بسیار سنگین است و عملا بیش از نیمی از منابع درآمدی کشور خرج اداره دولت می‌شود. این مشکل بنیادی است. از شما سؤال می‌کنم، آیا واقعا ممکن است دولت بتواند در یکی، دو سال نیروهای انسانی خودش را در دولت تعدیل کند؟ چون در این صورت با موجی از بی‌کاری مواجه خواهیم شد. بنابراین باید سیاست‌های پیچیده‌ای در پیش بگیریم و کسانی می‌توانند در این شرایط سر بلند کنند که راهکارهای عملیاتی برای برون‌رفت از بحران ارائه دهند نه صرفا یک آسیب‌شناسی تلخ دائمی.

به نظرم دولت آقای روحانی خیلی بداقبال است و فقط یکی، دو سال اول که در فاصله برجام بود امیدواری نسبی در این دولت وجود داشت. تحلیل شما را از وضعیت قبول دارم، اما به نتیجه‌ای که می‌خواهید از تحلیلتان برسید خیلی خوش‌بین نیستم؛ چون تحلیل شما به‌نوعی توصیه‌ای است. شما از انسجام صحبت کردید که می‌تواند کمک کند دولت مشکلاتش را پشت سر بگذارد؛ درباره انسجام با شما موافقم، اما انسجام از جنس و جنم دیگری در ذهن عده‌ای وجود دارد و اگر در این شرایط به یاری دولت بیایند به ضرر خودشان خواهد بود، درواقع در شرایطی قرار دارند که کمتر از یک سال به انتخابات مانده و حاضر نیستند دست به این ریسک بزنند و انسجام را شکل ببخشند و قاعدتا هرچه به سمت ۱۴۰۰ برویم این عدم انسجام بیشتر خواهد شد.

به نکته خیلی خوبی اشاره کردید. وقتی از انسجام صحبت می‌کنیم، دو سطح بحث را باید مجزا کنیم. یک سطح بحث که من مطرح می‌کنم و منظورم انسجام نرم و مبتنی بر سرمایه اجتماعی، مردم و افکار عمومی است. من معتقدم سوخت نظام سیاسی برای تداوم حیات و بقا، سرمایه اجتماعی است. یک رویکرد انسجام است که مکانیکی است که شما مطرح می‌کنید؛ به این معنی که یک ترکیب از ساختار سیاسی ایجاد می‌کنیم با عنصری به نام قدرت سخت که این سیستم را به فرمان خود درمی‌آوریم. به این انسجام مکانیکی می‌گوییم که بر مبنای بایدهاست، اما انسجام ارگانیکی بر مبنای باورهاست. انسجام مکانیکی بر مبنای اجبار است، انسجام ارگانیکی بر مبنای اختیار است. انسجام مکانیکی ناپایدار است و با اندک تکانه‌ای می‌ریزد. انسجام در دوره احمدی‌نژاد بین قوا چقدر پایدار بود؟ خیلی کم، چون از نوع انسجام مکانیکی بود. دولت احمدی‌نژاد، پارلمان و قوه قضائیه چسبی بینشان نبود. یعنی در تریبون با هم صحبت می‌کردند و اظهار انسجام می‌کردند، بلافاصله حداکثر توان را برای تخریب هم به کار می‌گرفتند؛ بنابراین منظور من انسجام ارگانیکی است؛ یعنی یک نظام سیاسی. نظام سیاسی در ایران برای بقا که همه نظام‌های سیاسی آن را مطالبه می‌کنند، الزاما باید به انسجام ارگانیکی فکر کند؛ یعنی بازگشت به آرای مردم، مشارکت و اعتماد اجتماعی، رضایت اجتماعی و در یک کلمه بازتولید سرمایه اجتماعی.

ادامه در صفحه ۳

ادامه از صفحه اول

دست‌پخت شورای عالی شهرسازی!

علاوه بر این «شورای عالی شهرسازی و معماری ایران» که با محوریت «وزارت راه و شهرسازی» به‌عنوان یک دستگاه بخشی فعالیت می‌کند، به سبب جزیره‌ای‌بودن ساختار کلان نظام برنامه‌ریزی از یک سو و تمرکز حوزه مأموریتی خویش در حوزه راه، حمل‌ونقل و مسکن از سوی دیگر، علی‌القاعده نمی‌تواند با رویکردی یکپارچه و همه‌سونگر امر «برنامه‌ریزی شهری» را راهبری کند؛ حتی اگر اعضای شورای عالی و کمیته‌های فنی ذیل آن متشکل از نمایندگان سایر دستگاه‌های اجرائی باشد؛ چراکه واقعیت آن است که مشارکت سایر دستگاه‌ها در یک بستر سیاست‌گذاری بخشی به سبب فقدان کاربست ترتیبات منطقی در فرایند تصمیم‌سازی و دستیابی به اجماع حقیقی غالبا کم‌رنگ بوده و عملا دستگاه‌ها چندان خود را متعهد به اجرا و رعایت مصوبات نمی‌دانند. علاوه بر این به سبب نهادینه‌بودن آفت رویکرد جزیره‌ای در درون این وزارتخانه عریض و طویل، سایر حوزه‌ها ازجمله (مسکن و ساختمان، حمل‌ونقل، سازمان بنادر و دریانوردی، شرکت عمران شهرهای جدید و...) نیز فاقد هماهنگی و تعامل بایسته با دبیرخانه این شورای عالی (معاونت شهرسازی و معماری) هستند. همچنین دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در سه دهه اخیر غالبا از سوی معمارانی اداره شده که درک روشن و دقیقی از ماهیت، ابعاد و سویه‌های متکاثر شهر و دانش شهرسازی و همچنین اعتقادی برای تحول در این عرصه نداشته‌اند. محور سوم؛ اختلال رویه‌ای و ناتوانی در مسئله‌گشایی، بن‌بست‌شکنی و راه‌حل‌یابی: نظام برنامه‌ریزی شهری در ایران، برخلاف غرب که همواره در مسیر تکوین و تکامل مستمر قرار داشته و به‌تدریج با رفع نواقص و نارسایی‌ها و سازگاری هرچه بیشتر با اقتضائات زمینه و زمانه، در اواسط دهه ۱۹۸۰ به بلوغ و ثبات نسبی رسید، به سبب ضعف و ناتوانی مراجع سیاست‌گذاری و علمی، در نیم‌قرن اخیر دستخوش تحول روبه‌جلویی نشده و کماکان همان شیوه‌های سنتی و منسوخ‌شده برنامه‌ریزی بلوپرینتی با رنگ و لعاب‌های نسبتا جدید در آن متداول است. عجیب آنجاست که با وجود اذعان بیشتر مدیران فعلی و اسبق، صاحب‌نظران، حرفه‌مندان و استادان دانشگاهی عضو یا همکار این شورای عالی به شکست این شیوه‌ها و رویکردهای سنتی (اعم از طرح‌های جامع-تفصیلی شهری)، هنوز طرحی نو و اقدام اساسی برای تحول در این نظام فرتوت و ناکارآمد در دستور کار قرار نگرفته است؛ گویی باید دستی از غیب تحولی در این عرصه بیافریند! این در حالی است که خود شورای عالی شهرسازی و معماری، صلاحیت سیاست‌گذاری، ارائه آیین‌نامه‌های جدید و حتی ارائه پیش‌نویس مصوبه هیئت وزیران یا تنظیم لایحه قانونی برای ارائه به مجلس را دارد؛ اما واقعیت آن است که به چند دلیل اصلی این اتفاق رخ نداده: اول اینکه شیوه سنتی رواج‌یافته و جاافتاده کنونی معارض بیرونی خاصی ندارد، دوم اینکه مجموعه اندیشه‌ورزی این عرصه طرح جایگزین قابل اتکایی برای تحول در نظام قدیم در چنته نداشته و توان علمی لازم را نیز متأسفانه ندارد و از همه مهم‌تر اینکه در درون این شیوه سنتی تهیه طرح‌های جامع-تفصیلی، چه در مرحله انتخاب مشاور، تدوین، تصویب و اجرا، منافع پیدا و پنهان زیادی برای جامعه حرفه‌مندان و دانشگاهیان وجود دارد که برهم‌خوردن نظم موجود، ممکن است منافعی را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ ازاین‌رو در نظام شهرسازی کشور شیوه‌هایی از طرح‌های توسعه شهری (طرح‌های جامع- تفصیلی) از دهه ۱۹۶۰ تا به امروز متداول است که در اروپا و آمریکا در همان زمان بساط آن جمع شد. علاوه بر تداوم شیوه‌های سنتی و ناکارآمد طرح‌های جامع- تفصیلی در نیم‌قرن اخیر، نظام شهرسازی کشور با مسائل و بن‌بست‌هایی مواجه بوده که شورای عالی نتوانسته راهکار مؤثری برای آنها ارائه کند؛ چاره‌جویی برای تأمین مالی پایدار شهرداری‌ها و توقف تراکم‌فروشی در کلان‌شهرها، رهاشدگی نظارت بر الگوهای معماری رایج در شهرها و ارائه‌ندادن الگوهای بوم‌آور